

از خدا می‌خواهم  
عاقبت من و تو را به شهادت ختم کند...

از نامه امام علی (ع) به مالک اشتر

«ویژه‌نامه سالگرد شهادت  
فرمانده سپاه قدس»

# بسته‌ف

## انگار که یک کوه سفر کرده ازین دشت!

به مناسبت شهادت حاج قاسم سلیمانی

هدیه گیاه تازه، کارشناسی آمار و کاربردها

برای همه تپیده است. امروز که گاهی نفسمان تنگ می‌شود از برخی بی وفایی‌ها، امروز که در معرض امتحان الهی قرار گرفتیم و دیدیم چه بسیار کسانی که در این حرم امن جمهوری اسلامی ترقی کرده‌اند و اکنون دفاع از حرم را از خاطر برده‌اند؛ بیشتر درمی‌یابیم که چرا رهبر آنقدر در فراق سرباز عزیزش می‌سوزد.

نقل معروف خطبه امام سوم شیعیان در کربلا بدین شرح است که «مردم بندگان دنیابند و دین بازیچه زبان آنهاست تا زمانی که سودی برایشان داشته باشد. در هنگام امتحان چه اندک هستند مومنان».

تا همین اواخر درک این جمله مبهم به نظر می‌رسید؛ اکنون اما چقدر شفاف است که عزت سلیمانی عزیز، از همین رو است که دین بازیچه زبان او نبوده بلکه دغدغه فکر و چراغ راهش بوده است. برای چنین قهرمانی، اگر اعتقادات اسلام راستین، می‌گوید آواره بیابان‌های سوزان عراق باش و در کوچه پس کوچه‌های دمشق برو، دیگر هر چه دین بگوید، قطعاً عمل می‌شود حتی به قیمت دوری از وطن و فرزندان باشد. یا اگر دین دستور «امت واحده» بدهد، آن وقت، همان دختر کم‌حجاب هم دختر او است و تمام جامعه می‌شود خانواده او. سلام خدا بر او در آن روزی که متولد شد و در آن روزی که شهید شد. سلام خدا بر او آن هنگام که شب‌ها چشم بر هم نگذاشت تا خواب شب‌های ما برهم نریزد. سلام خدا بر او آن هنگام که در سنگر می‌دوید، و سلام خدا بر او در روزی که بر دست‌های امت تا بهشت بدرقه شد. و سلام خدا بر تمامی شهیدان؛ آنان که شب هنگام می‌جنگند و صبح هنگام با کفن بازمی‌گردند.

و زیبا، نیکی و بدی پر کرده است. در هر زمان قهرمانی بوده که دل او برای همه مردم می‌تپیده و ضد قهرمانی که خودخواهی کورش کرده است. در تمام ادوار تاریخ قهرمانی است که از جان، ایثار می‌کند برای آرامش مردم و ضد قهرمانی که با شبیخون‌های خود، ترس را بر مردم چیره می‌کند. قهرمان، انسان ساز است و فداکاری او برای برقراری امنیت باعث پرورش انسان‌ها می‌شود و ضد قهرمان می‌کشد و می‌سوزاند و به هیچ کس رحم نمی‌کند.

وصف قهرمان معاصر ما کار یک روز و دو روز نیست و البته او هم یک شبه قهرمان نشده است! چه شب‌ها که برای رضای الهی چشم برهم نگذاشته چه زمان‌ها که اشک نریخته تا لبخند از روی لبان مردم پاک نشود.

علت بروز قاسم سلیمانی، این پهلوان معاصر ما در توحید نهفته است. توحید آن است که بدانیم هر چیزی و هر جنبه‌ای و حتی افعال خودمان هم چیز جدایی از باری تعالی نیست. با همین دید اساساً، احزاب و اقوام برای انسان مومن، رنگی نخواهد داشت؛ زیرا که همه و همه از یک مبدا هستند به یک مقصد می‌رسند. توحید اگر در دل ریشه بدواند، آنگاه دیگر فرقی نمی‌کند قومیت! دیگر چه فرقی می‌کند ملیت! همه «امت» می‌شوند و قلب مومن برای تمام امت می‌تپد. چه فرقی می‌کند دست محبت بر سر کودک سوری می‌کشند یا بر سر دختر شهید ایرانی!

برای قهرمان واقعی امت، چه فرقی می‌کند که چقدر او را بشناسند؟ چقدر از او تشکر کنند؟ او مومنی است که توحید و ولایت را متصل بهم می‌داند. و اطاعت از ولایت را، آزمون صداقت اعتقاد به توحید درمی‌یابد. حاج قاسم ما انگار همه جا بوده و دل او

در یک جمع‌بندی کلی، زمانی که قرار است یادداشتی نوشته شود، نویسندگان از نوشتن موضوعات کوچک و جزئی در نگاه اول سر باز می‌زنند، علت این کار نیز نبودن مطلبی برای نوشتن است. یعنی در نگاه اول، نویسنده فکر می‌کند اصلاً چیزی برای نوشتن ندارد که بخواهد موضوع را شرح و بسط دهد یا به جایی برساند. در مورد موضوعاتی که ابعاد وسیعی دارند اما دقیقاً برعکس است، نویسندگان معمولاً با علاقه بیشتر انتخاب موضوع می‌کنند، زیرا تصور آنها این است که عمق و وسعت برای نوشتن زیاد است و به راحتی می‌توان ظرف یک ساعت، مقاله‌ی ۱۰۰۰ کلمه‌ای نوشت! اما وقتی موضوعی را انتخاب می‌کنید که از قضا بسیار هم کلان است، موقع نوشتن تازه می‌فهمید چقدر اشتباه فکر می‌کردید! اتفاقاً ظرف یادداشت هزار کلمه‌ای برای یک دریای عمیق خیلی کم است! وقتی این دریا زلال و شفاف و شیرین هم باشد، حالا علاوه بر ناتوانی، عذاب وجدان هم بر شما چیره می‌شود، که چرا باید از دریایی شیرین و شفاف به قطره‌ای بسنده کنید!

روایت نوشتن برای قاسم سلیمانی هم چنین حالی است. روایت اخلاص او، ولایت‌مداری او، دلسوزی او، تلاش او و هزاران مورد دیگر بسیار وسیع و عمیق است. شهید سلیمانی آنقدر وسیع است که گاهی از خود می‌پرسیم نکند چند قاسم سلیمانی داشتیم و ما بی‌خبر هستیم؟ یک نفر پشت جبهه است، یک نفر در خط است، یک نفر پا به پای سیل‌زدگان است. یک نفر کارهای بازسازی عتبات را پیگیری می‌کند و هزار مورد دیگر به طور همزمان جریان دارد بی‌آنکه تعارض و تغافل رخ دهد. صفحات تاریخ را تقابل خیر و شر، زشت

## تمام عمر در سنگر حق!

روایت‌هایی کوتاه از مرد نام‌آشنای عراق

● زهرا محمدی، کارشناسی ادبیات فارسی



مجاهد واقعی است. او شرح می‌دهد که پیامبر می‌فرمایند سیادت امتی جهاد! و سپس می‌گوید من تا به حال موصل نیامده بودم، به خاطر همین جهاد علیه داعش موصل آمدم و اکنون می‌بینم چه شهر سرسبز و زیبایی است! دید یک انسان اگر این باشد چگونه جهاد را تفریح نمی‌بینید؟ چگونه می‌توان از او انتظار داشت تا زمانی که تمام موهایش سفید نشده جهاد را رها کند؟ حاج ابومهدی برای عقد دخترش به او کتاب صباح که خاطرات یک دختر ایرانی در جنگ است را هدیه داده است. تمام رفتار این مرد الهی پر است از ظرافت، اصلا تصور نمی‌شود که این حرفها رفتار کسی است که شبانه روز در حال مقابله با دشمنی همچون داعش است. خداوند به دل رؤف و مهربان او رحم بسیار کرد آن وقت که نگذاشت دوری هم‌رمز رؤفش را تحمل کند. خداوند رحمت بی‌پایانش را بر سر او باراد و بر مقاماتش بیفزاید.

بعد از ابومهدی المهندس اما لیست بلندی از این تشکل‌ها بین مردم رواج یافت. حشد الشعبی عراق و انصارالله یمن نامهای آشنای بعد از این واقعه است. آنچه در شخصیت این مجاهد بزرگ عراقی متبلور است حق طلبی ویژه اوست. ابومهدی در جوانی و در ۸ سال دفاع مقدس نه در عراق که در لشکر بدر ایران علیه ارتش عراق می‌جنگیده، ممکن است هرکسی در آن زمان می‌دانسته که جبهه حق کدام است؛ اما چند نفر حاضر هستند به ایران آمده از آن دفاع کنند؟ حاج ابومهدی المهندس اما تنها در این بینش خلاصه نمی‌شود، وقتی از او که فارسی صحبت کردنش دل هر ایرانی را می‌برد می‌پرسند که فارسی را بیشتر دوست دارد و یا عربی؟ پاسخ می‌دهد که عربی زبان اسلام است و فارسی زبان انقلاب! آنچه‌ی که اسلام را اکنون حفظ کرده انقلاب است پس فارسی را بیشتر دوست دارم! حاج ابومهدی المهندس مصداق یک

۱۳ دی ماه ۹۸ هرچند در اولین ساعاتش با غمی ملتهب آغاز شد، اما یک نکته تازه در خود داشت. در کنار حاج قاسمی که ما می‌شناختیم یک نام تازه هم تکرار می‌شد ابومهدی المهندس، مجاهد بزرگ عراقی، نامی کمتر آشنا بین مردم ایران. مردی با مو و ریش‌هایی تماما سفید و چهره‌ای که آفتاب عراق تیره اش کرده بود. هیچ کار خدا بی حکمت نیست، وقتی مردم عراق از جنگ با ایران سر باز می‌زدند و توسط صدام کشته می‌شدند چون نمی‌خواستند برادر کشتی کنند، چه کسی فکر می‌کرد روزی مرد مومن دلسوز کشورشان که از قضا مخالف جدی حزب بعث عراق بود روزی بر دستان مردان و زنان ایرانی تشیع خواهد شد؟ معاون حشد الشعبی عراق در مصاحبه‌ای می‌گوید که من همیشه فکر می‌کردم اگر قاسم سلیمانی نباشد ابومهدی چگونه بعد او تاب خواهد آورد؟ زندگی برای ابومهدی بعد حاج قاسم ممکن نبود! شاید همین محبت آنها بهم بود که گوشت و خونشان درهم آمیخت... تا قبل از ۱۳ دی ماه شاید تنها تشکیلاتی که ایرانیان در خارج کشور می‌شناختند حزب الله لبنان بود.





# بنا

## یا جابر کل الکسیر؛ ای جبران کننده هر شکسته‌ای.

یادبود حادثه هواپیمای اوکراینی

زهرا جعفری، کارشناسی مهندسی مکانیک

آورده بودیم. یک تجدید قوای تازه که خون سردار سپاه قدس علت آن بود. شبیه منوری که باید باشد تا بینی چقدر از راه آماده ای و چقدر از آن باقی مانده! اتحادی که هرچقدر بیشتر بگذرد با نبود شفافیت و صداقت بیشتر از دست خواهد رفت. برای آگاه شدن از نیات و فکر ها گاهی حتی باید تا خود قیامت صبر ورزید، آنجا که داور تنها خداست و از همه چیز آگاه است و بسیار رحیم. خداوند از آن جهت که بخیل نیست، هیچ بعید نیست که آنقدر به شهدای این واقعه ببخشد تا به جای این دنیا در آن دنیا جبران نماید. اما این توجیه آن نیست که بندگان همه تلاش خود را برای جبران هرچند اندک انجام دهند، اگر خداوند متعال تلاش بندگان را ببیند از آن جهت که منصف است و خالق بندگان منصف حتما جایی برای بازگشت خطاکاران خواهد گذاشت اگر که بندگان تلاش خود را بکنند...

که از قضا بیشتر آنها نیز جوان بودند اینچنین خود را بر حق یا باطل نشان دهیم و استفاده سیاسی را به حد آخر برسانیم. حق مشخص است و از به رخ کشیدن بی نیاز! مطالبه صادقانه و سریع برای این پرونده مطالبه هر انسان آزاده و حق طلبی است. اینکه گروهی با ناجوانمردی بدون اینکه حتی از حال خانواده این عزیزان خبری بگیرند داعیه خونخواهی را بلند می‌کنند، شک به جان آدمی می‌اندازد که آیا به واقع به فکر این سرمایه های از دست رفته هستند؟ غم ۱۸ دی ماه ۹۸ شاید فقط به خاطر جانهای عزیز پرواز ۷۵۲ اوکراین نباشد. برای ما که تنها کشوری بودیم که بعد از جنگ جهانی دوم جواب آمریکا را به خاطر دست درازی اش می‌دادیم ۱۸ دی ماه تلخی بسیار زیاد بعد یک شیرینی تازه بود. از همه اینها گذشته ۱۸ دی روایت یک اتحاد ذبح شده بود. اتحادی که تازه بدستش

به کرات شنیده ایم روایاتی که از امتحان پس از ادعای ایمان سخن گفته اند. روایتی هست که می‌گوید اگر کسی ادعای ایمان کرد و تا ۴۰ روز امتحانی سمت او نیامد به ایمانش شک بورزد. روایت تلخ و سوزان روزهای سرد ۱۳ تا ۱۸ دی ماه دقیقا شاید مصداق روایت بالا باشد. در زمانی که همه چیز عادی می‌نمود و هنوز جشن آغاز سال میلادی تمام نشده بود نوعی غم همراه با بهت ایران و کشورهای دلبسته به راه او را در خود فرو برد. آنچه اما در ادامه می‌آید روایت روزهای پر التهاب بعد از شهادت فرمانده پر افتخار سپاه قدس نیست. روایت روزهای شیرین مقابله است که به سرعت به تلخی گرایید! نوشتن از ۱۷۶ جان از دست رفته کار ساده ای نیست. گاهی انسان تصور می‌کند تراژدی های فیلم ها فقط برای فیلم هاست و در دنیای واقعی تکرار نمی‌شود اما ۱۸ دی ماه شاید یکی از همان چیزهایی بود که در واقعیت همه ما چشیدیم. روایت روزهای نخستنی که می‌توانست صادقانه تر رقم بخورد بسیار قابل توجه است. یاد آوری نوعی کتمان غیر دوست داشتنی به واقع آزار دهنده می‌نماید اما شفافیت بعد از آن در طول رسیدگی پرونده حتما می‌تواند راهی برای جبران هرچند کوچک این خطا باشد.

اما آنچه اکنون رخ می‌دهد ظلم آشکارا به این عزیزان است. اکنون آنها نیستند که از خود دفاع کنند آیا رواست خون ریخته شده آنها دستمایه بازی های سیاسی شود؟ شرم آور است که اکنون با حرکت بر خون پاک این مسافران بهشتی



# گمنام برای نسل امروز، نام آشنا برای نسل دیروز

به مناسبت بزرگداشت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی

● رقیه خادم‌نیا، کارشناسی علوم تربیتی

آیت‌الله مصباح یزدی به شدت به حضرت ولی‌عصر (عج) عشق می‌ورزید و همه را به دعا برای فرج ایشان توصیه می‌کرد. ولایت‌مداری آیت‌الله مصباح یزدی زبانزد دوستداران ایشان بود. پیروی از خط ولایت فقیه را بسیار مهم می‌دانست. در سخنرانی‌های خود از رهبری حمایت و دل‌های آماده را به محبت و پشتیبانی از خط رهبری جذب می‌کرد. البته در این راه متحمل هزینه نیز شد و ترور شخصیتی تیری از تیرهای بدخواهان ایشان بود.

نحوه برخورد این عالم بزرگوار با خانواده خویش، شاگردپروری، ارتباط قلبی با اهل بیت (ع) و شرح معارف آنها و باور به غیب از دیگر ویژگی‌های ایشان محسوب می‌شود. همچنین آیت‌الله مصباح هر چهارشنبه جلسات اخلاق در دفتر رهبر معظم انقلاب واقع در قم برگزار می‌کرد و عده کثیری از جوانان با جان و دل به سخنان این عالم وارسته گوش می‌سپردند.

همانطور که خداوند در آیه ۳۰ سوره زمر فرموده است: «أَنْتَ مَيِّتٌ وَأَنْتَهُمْ مَيِّتُونَ»، آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی نیز در ۱۲ دی ماه ۱۳۹۹ ه.ش به ملکوت اعلی پیوست. هرچند ایشان دیگر حضور ندارد اما نام و یاد ایشان همچنان در صفحه روزگار باقی است. بنا به توصیه رهبر انقلاب مسئولین و افراد حاذق در عرصه فرهنگی موظف‌اند این اندیشمند فرزانه را از طریق انتشار کتب و اصوات ضبط شده ایشان به نسل جوان معرفی کنند. به امید اینکه بتوان خسارت از دست دادن ایشان را جبران کرد.

آن که باید دیده شود دیده می‌شود. به اصولگرایان نیز توصیه می‌کرد به جای اختلاف و تفرقه‌افکنی متحد باشند و نظرات خود را یکی کنند.

آیت‌الله مصباح یزدی به لحاظ ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری نیز سرآمد روزگار خود بود. تواضع فوق‌العاده و شخصیت آرام ایشان هر کسی را شیفته خود می‌ساخت. همین‌طور سخنرانی‌های دلنشین و جذاب آقای مصباح نشان از اخلاص این عبد صالح خدا و تفکری که پشت هر جمله ایشان بود دارد. آیت‌الله مصباح به هیچ عنوان با فرهنگ غربی کنار نمی‌آمد و در طول عمر پرکت خود تلاش بر دفع تهاجم فکری و فرهنگی غرب داشت. به گفته خود ایشان در کتاب تهاجم فرهنگی: «امروز دیگر هجوم فرهنگی به شکلی نیست که بتوان درها را به روی آن بست؛ زیرا تکنولوژی جدید، درها را شکسته و فرهنگ مهاجم چون مهمان ناخوانده‌ای به اندرونی سرکشیده است.» اعتقاد ایشان بر این بود که مجاهدت در عرصه فرهنگی ضروری است و نباید بیکار نشست. خود نیز دست روی دست نگذاشت؛ لذا مبدع طرح ولایت و مؤسس مرکز تحقیقات امام خمینی، آیت‌الله مصباح یزدی است. طرح ولایت برگ زرین کارنامه فعالیت‌های آیت‌الله مصباح شناخته می‌شود. این طرح شامل شش محور معرفت‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی، فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق و فلسفه سیاست است و سبب پیوند بین حوزه و دانشگاه و ارتقای فکر و عقیده دانشجویان شد. در مرکز تحقیقات امام خمینی نیز تاکنون چندین هزار مقاله و کتاب منتشر شده است.

در ۱۱ بهمن ۱۳۱۳ نوزادی قدم به دنیا گذاشت که سال‌ها بعد از او به عنوان استاد فکر یاد شد. محمدتقی مصباح یزدی، کسی که هم قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب دستاوردهای بزرگی از خود به یادگار گذاشت. او پس از اتمام مقطع دبستان، وارد حوزه علمیه یزد شد. بعد از به پایان رساندن دوره مقدمات و سطح، راهی نجف شد و پس از یک سال به قم رفت. این مرد فهیم در ۲۵ سالگی به درجه اجتهاد رسید. در این دوران از جلسات آیت‌الله بروجردی، امام خمینی و آیت‌الله بهجت بهره‌مند شد. زندگی آیت‌الله مصباح یزدی به اینجا خلاصه نمی‌شود. در سراسر زندگی این مرد بزرگ درس‌ها و عبرت‌هایی برای هر پندآموزی نهفته است. درس‌هایی که از او شخصیتی متفکر و تأثیرگذار ساخت. ایشان یک مجتهد فعال و فهیمی بود که کلمه به کلمه سخنان ایشان در و گوهری بود که از دهان ایشان خارج می‌شد. این عالم ربانی فقیه، فیلسوف و مفسر قرآن بود و در سیاست نیز دستی بر آتش داشت. آیت‌الله مصباح یزدی جبهه تندی در برابر اصلاحات داشت. ایشان محکم و مقتدر از عقاید فکری و سیاسی خود در مقابل اصلاحات دفاع می‌کرد. هیچ‌گاه از بیان نظرات خود باکی نداشت. بارها در معرض ترور شخصیتی قرار گرفت و به ایشان برچسب تندرو و افراطی زدند. به طوری که به فرمایش ایشان: «آنقدر فحش و ناسزا و افترا و دروغ شنیده‌ام که به شنیدن آنها عادت کرده‌ام.» در انتخابات ۹۸ مجلس خبرگان، ایشان نیز کاندید شده بودند. در جریان این انتخابات، تبلیغات چندانی نکرد و معتقد بود آنچه خدا بخواهد همان می‌شود و

# بسته‌ف

## مسئولی با این اوصاف نیاز مندیم!

به مناسبت بزرگداشت وزیر شهید دربار ناصری

زهرا سعیدی، کارشناسی تاریخ

اجرای آن بود ولی مغزهایی که تاکنون در ایران به این نوع از اصلاحات و شرایط عادت نداشتند و یا منافع خود در خطر میدیدند جلوی او را گرفته و از ترس اصلاحات او و برنامه‌هایی که برای حکومت داشت، موجبات فریب شاه و گرفتن دستور شهادت او را رقم زدند. مرضی که حکومت قاجار و در کل جامعه ایران با آن مواجه بود، فقط یک طبیب داشت و آن میرزاتقی خان فراهانی بود؛ اما وقتی که این مهم را دریافتند و او را کنار زدند، در واقع حکومت قاجار را به سوی زوال و انقراض راندند. اگر بخواهیم در تاریخ ایران افرادی را سرآمد ضد فساد بودن به ویژه ضد رشوه خوری بدانیم امیر کبیر قطعاً یکی از آنهاست. این اغراق نیست، اگر ما اکثر منابعی که از او نوشتند را بررسی کنیم بعید است این مهم را نیابیم. حتی نقل است که در زمان صدارت او هر چند هم کوتاه، رشوه‌گیری تا حد زیادی منسوخ شده بود؛ شاید رشوه‌هایی که امیر هیچوقت نگرفت، خرج کشتن او شد!



وطن داشت و آن روحیه‌ی میهن‌پرستی پررنگ خود، کوشید تا هرگونه دخالت و زورگویی‌ای را از طرف هر دولت خارجی، از بین ببرد و کشور را با اتکا به نیروی داخل به پیشرفت برساند نه با گدایی ثروت و عنایت از خارجی‌ها. میرزاتقی را می‌توان به سبب اقداماتی که انجام می‌داد و موانع ریز و درشتی که بر سر راه او بود، انسانی جدی و فسادناپذیر دانست. فقط انسانی به سرسختی او می‌توانست این حدود سه سال را علیه عقب‌ماندگی و فساد، مبارزهای با این جدیت بکند و بر اصول اعتقادی خود استوار بماند. همین جدیت و کوتاه نیامدن او باعث شد که مخالفان او را با صفت‌هایی مثل متکبر و خودخواه بخوانند. فقط به جرم ایستادگی مقابل خواسته‌های ناعادلانه، اداره‌ی امور کشور در اوضاعی با این اوصاف، فقط مدیری پاکدست و سرسخت مثل امیر کبیر می‌طلبید که حتی در مقام صدارت یک حکومت هم خود را گم نکند. اینگونه است که فساد در درجات پایین‌تر نیز اصلاح می‌شود؛ لذا راه برون‌رفت از مشکلات در هر برهه‌ای از زمان همین است که این افراد زمام امور را به دست بگیرند. آن عدالت و مساواتی که بعدها در اذهان مردم دوره‌ی مشروطه نفوذ کرده بود، همان چیزی بود که امیر کبیر برای جامعه‌ی ایران می‌خواست و در صدد

درباریان منفعت‌طلب و بی‌قید، دخالت‌های روس و انگلیس، مردم ناآگاه و ناراضی، نبود نیرو، خزانه‌ی خالی و شاه دمدمی مزاج چگونه می‌شود کشور را با چنین شرایطی آنگونه اداره کرد که حتی بعد از گذشت یک قرن، زبانزد و نمونه‌ی مدیریتی دولت‌ها و حکومت‌ها قرار بگیرد؟ بد نیست به زمانی نگاه بیاندازیم که دولت قاجار به دست میرزاتقی خان فراهانی می‌افتد. زمانی که دربار، دربار فساد بود و افراد و خاندان‌هایی در حکومت بودند که چیزی به جز قدرت و ثروت نمی‌شناختند و برای رسیدن به آن از هیچ عمل شنیعی فروگذار نمی‌کردند. امیر کبیر به اقدامات زیربنایی و اصلاح ساختارها برای حل مشکلات کشور اعتقاد داشت و قصد کرده بود این اندیشه‌ی ناب را عملی کند؛ اما اصلاحاتی که مدنظر امیر بود قرار نبود که در آن آشفته بازار کشور به راحتی و با سرعت به وقوع بپیوندد؛ مثلاً کوتاهی دست بزرگ‌زادگان و اشراف از ثروت ملی و جلوگیری از رسیدن به قدرت‌های بادآورده اقدامی بود که مخالفان زیادی در پی داشت و حتی دشمنی‌های زیادی برای امیر کبیر تراشید. او دست تمام شاهزادگان زیاده‌خواه و یا به تعبیر امروز آقا‌زادگان را از هر حق و حقوق اضافه‌ای کوتاه کرد. در واقع اقتضای مدیریت و اندیشه‌ی سیاسی امیر اینطور حکم می‌کرد. او با توجه به اعتقادی که به

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س) | انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

@anjoman\_eshlami\_alzahra

@anjomanalzahra

شماره تماس: ۰۹۱۳۹۹۶۸۶۱۱ / ۰۲۶۰۴۸۰۲۱۸۸

مدیر مسئول: هدیه گیاه تازه

سرمدبیر: رقیه خادم نیا

صفحه آرا: زهرا جعفری